

۲۲.۳۵ ۴۷✓

بازی معامله‌گری

با شناخت خویشتن بازی را به نفع خود تغییر بده

www.ketab.ir

نویسنده: زینب آذریان

نشر چالش

سرناسه	:	آذریان، زینب، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	بازی معامله‌گری: با شناخت خویشتن بازی را به نفع خود تغییر بده/ نویسنده زینب آذریان.
مشخصات نشر	:	تهران: چالش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۲۹ ص:.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۱۷-۹۶-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۲۸.
عنوان دیگر	:	با شناخت خویشتن بازی را به نفع خود تغییر بده.
موضوع	:	موفقیت در کسب و کار- داستان- تحلیل‌گران کسب و کار
موضوع	:	Success in business- Fiction- Business analysis
رده‌بندی کنگره	:	HF۵۳۸۶
رده‌بندی دیویی	:	۶۵۰/۱



بازی معامله‌گری

نویسنده: زینب آذریان

طرح جلد: حسین قزاق‌زاده

امور فنی و صفحه‌آرایی: نشر چالش

چاپ و صحافی: فرشیه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۱۷-۹۶-۱

نشر چالش: تهران، خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ وحید نظری، شماره ۱۰۰، واحد ۱

فروشگاه چالش: تهران، خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ وحید نظری، شماره ۱۰۲

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. هرگونه تکثیر و تولید مجدد آن
کلاً و جزاً بصورت چاپی، کپی، انتشار الکترونیک این اثر بدون اجازه کتبی ناشر
ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

فهرست



مقدمه.....	۶
فصل اول: مانند یک استاد بزرگ فکر کن.....	۱۱
فصل دوم: یا حالا یا هیچ وقت.....	۳۷
فصل سوم: در جست و جوی مربی.....	۸۵
فصل چهارم: هیولای پنهان بازی.....	۱۰۹
منابع.....	۱۲۸

www.ketab.ir

مقدمه

درون همه ما احساساتی وجود دارند که گاهی غلیان کرده، بر زندگی مان اثر گذاشته و ما را به مکان یا زمان دیگری پرتاب می کنند. گاهی این احساسات چنان ناخوشایند هستند که مانند غل و زنجیر دورمان می پیچند و اجازه هرگونه فعالیت مثبت را از ما می گیرند. حالا فرض کنید معامله گر هم باشید و موقع انجام معامله، گرفتار این احساسات ناخوشایند شوید. هر هیجان یا احساسی می تواند از خاطرات بیرون بیاورد و در معامله گری خلل ایجاد کند. معامله گران می دانند من چه می گویم! کمتر کاری مثل معامله گری نتیجه اش بلافاصله مشخص می شود. امان از معامله گری؛ کافی است کمی پا را کج بگذاریم!

سقراط می گوید: «زندگی که بررسی نشده باشد، ارزش زندگی کردن ندارد.» حالا من از گفته اش وام می گیرم و می گویم معامله گری که کل زندگی اش را زیر و رو نکند اصلاً معامله گر نیست. اولین قدم در مسیر موفقیت شناخت خویشتن است. لحظه ای که سکان قایق را می چرخانیم تا به سمت ساحل هدایتش کنیم. زندگی ارزشمند و موفق خود را آغاز کرده ایم. با خودشناسی می توانیم رفتارهایمان را در موقعیتهای مشابه پیش بینی کنیم و در پی آن، تصمیمات بهتری بگیریم.

هر معامله گری به عنوان یک انسان همواره با مشکلات، احساسات ناخوشایند و افکار منفی بسیار زیادی دست و پنجه نرم می کند. بسیاری از آن ها ریشه هایی بس عمیق در گذشته و کودکی او دارند. در واقع، مشکلات پیش از ورود به دنیای معامله گری نیز وجود داشته اند، اما از آنجا که بازار مانند آینه ای تمام قد ما را با جزئیات کامل به خودمان نشان می دهد آن ها را پررنگ تر می بینیم. حتی گاهی

تصور می‌کنیم این مشکلات و احساسات منفی فقط در معامله‌گری سد راهمان شده و ما را با چالش‌هایی مواجه کرده است!

بین تمام احساسات ناخوشایند، ترس و طمع دو احساسی هستند که بیشتر از بقیه در معامله‌گری خلل ایجاد می‌کنند. البته، اگر ترس و طمعی در کار نباشد، بازاری هم شکل نمی‌گیرد؛ قیمت‌ها به دلیل طمع بالا می‌روند و به دلیل ترس ریزش می‌کنند. این آن چیزی است که همه روزه شاهدش هستیم. ترس و طمع کنترل شده نتایج مثبتی به دنبال دارند. اصلاً یک معامله‌گر به مقدار کمی ترس و طمع نیاز دارد؛ ترس او را از انجام کارهای اشتباه دور می‌کند و طمع انگیزه‌ای برای ادامه دادن است و سوخت موتورش را تأمین می‌کند. ولی اگر کنترل نشوند الگوهای رفتاری ناخوشایندی در پی خواهند داشت و معامله‌گر را به دردسر می‌اندازند. اما آیا تا به حال این سؤال ذهن‌تان را مشغول کرده که چرا همه به یک اندازه گرفتار این دو احساس نیستند؟ چرا دو نفر که در یک خانه بزرگ شده‌اند، در زندگی و در معامله‌گری احساسات دقیقاً یکسانی را تجربه نمی‌کنند؟ یکی ممکن است چنان ترسو شود که همه موقعیت‌های زندگی‌اش را از دست بدهد و دیگری ممکن است چنان حریص باشد که بنده پول شود و چیزی جز آن نبیند.

اگر ترس و طمع را در دو سر یک طیف در نظر بگیریم، همه ما در نقطه‌ای از این طیف قرار گرفته‌ایم. برخی بر نقطه ترس نشسته‌اند و کاملاً محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند. بعضی در نقطه طمع واقع شده‌اند و کاملاً تهاجمی و انتحاری عمل می‌کنند. بقیه نیز ممکن است در هر کجای این طیف ایستاده باشند. آن‌ها که خوشبختند و موفق در نقطه تعادل به سر می‌برند و می‌دانند چگونه سوار بر شرایط شوند و از آن بهره ببرند. این‌ها همان‌هایی هستند که نه در گذشته سکنی گزیده‌اند و نه به آینده نگاه می‌کنند، فقط در زمان حال زندگی می‌کنند.